

روزی لوئی امپراطور از راهی میگذشت  
دید یکنفر را به تیری بسته‌اند و شلاق  
میزنند علت را پرسید عرض کردند به  
خدمه امپراطور اهانت کرده است گفت  
عجب احمقی بود میخواست به خود من  
اهانت کند تا کسی باو کار نداشته باشد.  
متسکیو

محمد تقی طباطبائی

سردفتر ۱۱۲ تهران

کتابخانه مدرسه فیضیه

## جہل بقانون و مسئولیت

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

از یکی از متصدیان امور قضائی در مورد تخلف از يك بخشنامه ابلاغ نشده با استناد باینکه (جہل بقانون رفع مسئولیت نمیکند) نظریه شنیده شد که انصافاً چنین نظری از چنین شخصی علاوه از شکفتی تأسف‌آور است و بیت (حفظت شیئاً و غایت عنک اشیاء) را در خاطر زنده و یاد آور میگردد. لذا لازم شد (باصرف نظر از بحث اینکه بخشنامه قانون نیست) برای توجه چنین متصدیان مشاغل قضائی حدود و ثغور. تاروپود. مرزوبوم (عدم رفع مسئولیت با جہل بقانون) بطور اجمال

در حد ضروری و لازم بیان و تشریح که گردد این صورت قاعده (زبانگرد عالی ودائی و دستکاهای قضائی) در چه موارد و در چه حدی جاری و قابل استناد و اعمال است و در چه مواردی نیست. و چون مسئولیت گاهی ناشی از جرائم و مترتب بر امور کیفری است و گاهی ناشی از و مترتب بر امور مدنی. لذا برای بدست آمدن مقصود و تشخیص موارد اعمال و انطباق (این صورت) قاعده امور کیفری را بدو نوع و امور مدنی را هم بدو نوع تقسیم و قاعده مزبور را نسبت بهر موردی (با رعایت صفحات مجله) - جداگانه مورد بحث اجمالی قرار میدهیم تا شعبی از آنچه بایسته (نه فقط شایسته) دانستن است دانسته شود و با تخلف شدن (نه تخلف کردن) از بخشنامه بعنوان جهل بقانون رفع مسئولیت نمیکند يك سردفتر مبرائی تحت تعقیب انتظامی قرار داده نشود<sup>۱</sup>

### تثابتهانہ مدنیہ فیہا قلم

۱- جرائم طبیعی و ذاتی که طبیعت بشر و دانش انسانها آن عمل را جرم میدانند ام از اینکه قانونی وجود داشته باشد یا نه. شریعت و کیش و آئینی جرمیت آن را تصریح و تفریر کرده باشد یا نه مانند قتل. سرقت. خیانت. تعرض به آزادی و سلب حریت. تعدی به اعراض و نوامیس و ... که در طبیعت بشر و فطرت و تکوین و منطق انسان و دانش ابتدائی همه اقوام و ملل متمدن و وحشی. سفید و سیاه. جرمیت آن اعمال مسلم و ضدیت آنها بانظام تدبیری جامعه و اجتماع غیر قابل تردید و انکار است و مرتکب در همه اقوام و ملل جهان منفور و مبعوض و مورد نکوهش و سزاوار کیفر است (امید است روزی بیاید که از اشاعه این جرائم در کشور ما کاسته شود).

۲- اعمالی که جرمیت ذاتی و طبیعی نداشته بلکه بر حسب عرف يك قوم و

۱- در زمینه کیفر خواستهای دادرسی انتظامی سردفتران و دوری غالب آنها از منطق علاوه از اتخاذ رویه غیر منطبق با قانون بحث و سخنهایی را ایجاب دارد.

عادات يك ملت و مقتضیات يك کشور و برحسب شرایط و مقتضیات خاص و چه بسا در زمان خاص بر خلاف قوم و ملت و کشور دیگر با جعل و انشاء بصورت قراردادی قانون جرم شده است مانند ثبت نکردن وقایع اربعه و شکار حیوانات وحشی در غیر فصل یا در فصل خاص و مسافرت بخارج کشور بدون تحصیل گذرنامه و نکردن شناسنامه ظرف مدت مقرر برای فرزند تولد یافته و...

### انواع امور مدنی

الف - مالی مانند خرید و فروش . اجاره و مضاربه . قرض و طلب . حواله و ضمانت و بالجمله تعهدات و اقسام التزامات مالی.

ب - غیر مالی مانند نکاح و طلاق - حضانت و...

تردید نیست عدم رفع مسئولیت با جهل بقانون نسبت بنوع اول ( جرائم ذاتی و طبیعی) جاری است و در واقع نسبت بجرائم طبیعی و ذاتی که طبیعت انسان و دانش بشری آن را جرم دانسته اصلاً جهل بقانون صادق نیست و مورد پیدا نمیکند چه هر انسانی میداند قتل نفس و سرقت و خیانت و ... جرم است و مبعوض و مورد نفرت طبیعت بشر و مستلزم مسئولات لا اقل وجدانی خود مرتکب (وشایسته بلکه بایسته کیفر) مگر آنکه مرتکب فاقد تمام مراتب شعور انسانی باشد (که شرط اساسی توجه هر تکلیف و مسئولیت است) مانند صغیر غیر ممیز و دیوانه که مسئولیت کیفری متوجه مرتکب غیر ممیز و دیوانه نمی شود (ولی ضمان و مسئولیت مدنی متوجه همان غیر مسئول کیفری خواهد شد) و در چنین فرض و مواردی در واقع (جهل بعمل صادق است نه جهل بقانون) یعنی قاتل و متلف دیوانه بعمل قتل و اتلاف ارتکابی خود جاهل است نه بجرمیت و قبح ذاتی قتل و ترور و اتلاف و... بنابراین اگر کسی هم نداند قانوناً قتل نفس و... جرم است مسئولیت خواهد داشت . اما نسبت بنوع دوم جرائم که جرمیت طبیعی و ذاتی نداشته بلکه در اثر جعل و وضع قانون ممنوع

و مورد نهی یا لازم و مورد امر واقع و تخلف از رعایت امر و نهی جرم شده مانند شکار در غیر فصل و... که در این نوع جرائم با جهل بقانون بحکم عقل و منطق و شعور انسانی و بحکم شرع و فرموده (رفع عن امتی تسع...) و فرمایش (لاعتاب قبل الخطاب) و آیه مبارکه (عدم عقوبت و مؤاخذة قبل از ارسال رسل) مسئولیتی متوجه نشده و نمی توان در چنین مواردی مسئولیتی متوجه کسی نمود که اطلاع از جعل حکم پیدا نکرده است یا در مصداق و مورد حکم جاهل یا مشتبه بوده و محکوم کردن و مجازات چنین جاهل (با اینکه متأسفانه در دستگامهای قضائی و از بسیاری از دادرسان بدون توجه بنکات و رموز سابقه دارد) برخلاف منطق و موازین عقل و مبانی حقوق و مقررات مصرحه شرایع و کیش های آسمانی است (چه در واقع یا جهل بقانون در چنین مواردی مسئولیتی متوجه نشده که رفع نشود یا بشود) و حداعلی مسئولیت و تکلیفی که متوجه چنین شخصی میشود این است که اگر عمل مورد امر و تکلیف یا مورد نهی و منع بنحوی قابل جبران باشد اقدام بجبران نماید مثل ثبت وقوعه ازدواج یا طلاق انجام شده در دفتر رسمی و گرفتن شناس نامه برای فرزند متولد شده و مجاملاکیفر دادن این گونه اشخاص جاهل بحکم یا مصداق حکم دوزخ منطبق و تمام مبانی است و در مبانی شرعی علاوه از خبر (رفع عن امتی تسع...) که از جمله آن (مالا یعلمون) است و مورد آن اعم است از جهل باصل حکم یا بموضوع و مصداق حکم در بسیاری از قضا و نهای اسلام مخصوصاً مولای متقیان حضرت علی (ع) مشهود و برائت متهم (جاهل بحکم) اعلام شده است که از آن جمله است واقعه زیر:

تازه مسلمانی در زمان خلافت عمر در حالت مستی دستگیر شد. عمر دستور داد پس از افافه و برطرف شدن حالت سکر و مستی حد شرعی را بر او جاری کنند. در موقعیکه مأمورین او را برای اجراء حد بدستور خلیفه می بردند مواجه با مولای متقیان (ع) شدند حضرت پس از اطلاع از جریان امر فرمودند او را نزد عمر بازگشت

دهند و منتظر حضرتش باشند مأمورین بدستور حضرت او را نزد عمر برده و دستور مولارا بخلیفه ابلاغ نمودند عمر گفت هر چه ابوالحسن دستور دهد لازم الطاعه است بایستی درانتظار علی باشیم پس از ساعتی حضرت نزد عمر حاضر و بعمر فرمود این تازه مسلمان اظهار میدارد از حرمت مشروب در اسلام اطلاع نداشته و اگر مطلع بود مرتکب آن نمی شد آیا تحقیق کرده ای که راست میگوید یا نه، عمر اظهار نمود تحقیق نکرده ام حضرت فرمود پس چگونه دستور اجرای حد بر او دادی عمر گفت حکم را چنین دانستم - اینک هر چه حکم اسلام است بیان نمائید تا اجرا شود حضرت امر فرمود تحقیق کنید کسی از مسلمین حرمت شراب را باو اطلاع داده است یا نه. پس از تحقیق کسی از مسلمین ادعا نکرد حرمت مسکرات را باو گفته باشد حضرت فرمود چون جاهل بحکم بوده حدی بر او نیست و بایستی آزاد گردد و در آتیه اگر مرتکب شد چون اطلاع پیدا کرده حد بر او لازم خواهد شد. عمر بدستور حضرت از اجرای حد خودداری و او را آزاد نمود. و در مورد علم باصل حکم و جهل بمصداق و مورد حکم هم مثل اینکه میدانند شراب حرام است ولی اشتباه بتصور شربت شراب نوشید از جهت اشتباه در مصداق مسئولیت متوجه نشده حکم جاری نخواهد شد و نمی توان با نوشیدن مشروب بتصور شربت حد بر شراب جاری نمود و قانوناً هم با اینکه انتقال مال غیر جرم است اگر کسی مثلاً ساعت دیگری را اشتبهاً بجای ساعت خود فروخت مجرم نیست و فقط از نظر مدنی ضامن مثل یا قیمت آن است و مجملاً (عدم رفع مسئولیت با جهل بقانون) و ترتب تمام آثار مجرمیت بر مرتکب در امور کیفری نسبت بجرائم ذاتی مسلماً جاری است چه نسبت باین نوع از جرائم جهل عنوان واقعی ندارد و نسبت بنوع دوم بهیچ وجه جاری نیست بلکه در این نوع با جهل بقانون مسئولیت متوجه نمیگردد که رفع شود یا نشود.

بقیه دارد.